

A Process Look at Social Traditions in Surah Isra

Hassan Qafarifar¹
Safoora Salariyeh²

Abstract

The entire universe is purposeful and based on the law of cause and effect. Accordingly, the relations governing the human and non-human world are based on the principle of effect and influence. Human social relations are not out of this system and inevitable. Quran –which has the law of the whats and whys of the universe- has talked about the social existence and has named these types of necessary laws, "traditions" which are called in social sciences "social traditions".

Due to the extent of the Qur'an and the limitations of the paper's capacity, and to identify social traditions, the present study only examines Surah Isra- which has mentioned the most important social traditions- through a descriptive-analytic method and with the help of interpretative, historical, and sociological sources, so that it can identify the model of process for realization of traditions in human communities from origin to destination, and be useful for interpreting past events and analyzing the upcoming phenomena as a fundamental knowledge.

The Identified laws and traditions in this Surah are: The principle of divine guidance and human guidance, the educational principle of encouragement and persuasion, the principle of being an autonomous human, the principle of evaluation and getting feedback from the deeds, the tradition of asking for respite, reward in the form of punishment for criminals and victory of righteous people, and finally the succession of the righteous people over the wicked people or the tradition of (Istikhlaf) substituent.

Keywords

Divine tradition, social tradition, Quran, Isra.

1. Assistant professor, department of social sciences, Baqir al-Olum Univesity. h.ghafarifar@bou.ac.ir

2. University student. saforasalari@gmail.com

فصلنامه علمی - پژوهشی

اسلام و مطالعات اجتماعی

سال هفتم، شماره اول (پیاپی ۲۵). تابستان ۱۳۹۸
(صفحات ۵۳-۷۴)

نگاه فرایندی به سنت‌های اجتماعی در سوره اسراء

* حسن غفاری فر

** صفورا سالاریه

چکیده

کل نظام هستی، هدف‌مند و بر پایه قانون علی - معلولی استوار است. بر همین مبنا، روابط حاکم بر عالم انسانی و غیرانسانی، مبتنی بر اصل تاثیر و تأثر است. روابط اجتماعی انسان نیز خارج از این سیستم و حتمی بودن نیست. قرآن - که دربردارنده قوانین چستی و چرایی عالم هستی است - از هست اجتماعی سخن گفته و بر این دسته از قوانین إلزامی، نام «شنن» نهاده است که در علوم اجتماعی به آن «سنت‌های اجتماعی» گویند.

با توجه به گستردگی قرآن و محدودیت ظرفیت مقاله، در نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با کمک منابع تفسیری، تاریخی و جامعه‌شناسی برای شناسایی سنت‌های اجتماعی، تنها سوره مبارکه اسراء - که کلیدی‌ترین سنت‌های اجتماعی را یادآور شده - بررسی می‌شود تا مدل فرایند تحقق سنت‌ها در جوامع بشری از مبدأ تا مقصد، شناسایی و به‌عنوان دانشی بنیادین، مفید برای تفسیر وقایع گذشته و تحلیل پدیده‌های پیش‌رو باشد.

قوانین و سنت‌های شناسایی شده در این سوره عبارتند از: اصل هدایت‌گری خدا و هدایت‌پذیری بشر، اصل تربیتی تشویق و ترغیب، اصل فرید و مختار بودن انسان، اصل بازخوردگیری و ارزیابی اعمال، سنت إستمهال، پاداش در قالب تنبیه مجرمین و طالحین و پیروزی صالحین و در نهایت، جانشینی اهل حق بر باطل یا سنت استخلاف.

کلیدواژه‌ها

سنت الهی، سنت اجتماعی، قرآن، اسراء.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۵

h.ghafarifar@bou.ac.ir

Salaryeh@jz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۸

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

** مدرس رشته تاریخ جامعه الزهرا (سلام الله علیه) (نویسنده مسئول)

مقدمه

فلسفه به‌دنبال چیستی و چرایی کل پدیده‌ها است. فلسفه تاریخ، به‌دنبال چیستی و چرایی وقایع و پدیده‌های تاریخی و فلسفه اجتماعی، به‌دنبال چیستی و چرایی وقایع و پدیده‌های پیش‌رو است. به‌واسطه این دو دانش، منطق تحلیل و تبیین چیستی و چرایی پدیده‌های تاریخی و اجتماعی به‌دست می‌آید.

یکی از منابع استخراج سنت‌های تاریخی و اجتماعی، قرآن مجید است. در این کتاب آسمانی، همراه ده‌ها مطلب هدایت‌گر، از سنت‌های پایدار^۱، ثابت و تغییرناپذیر سخن به میان آمده است. شایسته است با تأمل و تدبّر در آیات الهی، سنن و قواعد حاکم بر حرکت تاریخ، کشف گردد تا بر اساس آن قواعد، پدیده‌های اجتماعی نسبت به گذشته تفسیر و نسبت به آینده، قابل پیش‌بینی گردند. در باب موضوع نوشتار حاضر، مقاله‌هایی درباره سنت‌های اجتماعی در قرآن، با عناوین: «قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر، سعادت و شقاوت جامعه» (محمدی‌گیلانی، ۱۳۶۹) «سنت‌های الهی در قرآن، منطق استخراج، حوزه‌های تاثیر و ویژگی‌ها» (روحانی، ۱۳۹۴)، «سنت‌های الهی-تاریخی در دو سوره رعد و ابراهیم» (فهیمی، ۱۳۸۷) و... کتاب‌هایی همچون؛ سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن (صدر، ۱۳۶۹) و برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن (نجفی‌علمی، ۱۳۷۱)، سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم (حامدمقدم، ۱۳۷۹)، سنت‌های اجتماعی الاهی در قرآن (مرادخانی، ۱۳۸۶) و... به نگارش درآمده است که هیچ‌یک از مقالات و کتاب‌ها به این موضوع، با رویکرد فرایندی، اشاره‌ای ندارد و به‌طور عموم، به شکل کلی و اجمالی، قرآن را مورد بحث قرار داده‌اند و غیر از مقاله «سنت‌های الهی-تاریخی در دو سوره رعد و ابراهیم»، دیگر آثار کمتر متمرکز بر یک یا دو سوره به شکل ویژه و اختصاصی شده‌اند و به سوره اسراء، به‌صورت اختصاصی، هیچ اثری به آن نپرداخته است. تحقیق پیش‌رو، تنها سوره اسراء را، به‌صورت موردی^۲ و با دقت، مورد کنکاش قرار داده تا از طریق پژوهش، آنچه را که قرآن در این سوره برای رستگارشدن انسان‌ها بدان اشاره کرده، شناخته و

1. Sustainable traditions

2. Case Study

قوانین حاکم بر روابط اجتماعی بشر را، با فهم چستی، چرایی و پیامد پدیده‌های انسانی، عبرت‌آموزی صورت گیرد. نوآوری دیگر این اثر، نگاه فرایندی^۱ به سنت‌های وارده در این سوره است که خود یک رویکردی نو، مدل‌سازی یا ارائه یک نظریه نو می‌باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. سنت^۲

«سنت» در لغت به معنی؛ راه، رسم، روش (ابن‌اثیر، ۱۳۹۷، ج ۲: ص ۴۰۹) و شیوه واحدی که همواره جریان دارد (مصباح، ۱۳۷۲: ص ۴۲۵). این واژه هم در معنای عام (راه و روش) به کار می‌رود و هم در معنای خاص، نسبت به قول و فعل و تقریر معصوم ﷺ (المصطفوی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ص ۲۳۷) و نسبت به تدبیر امور خدا در تمام مخلوقات یا قوانینی که نظام جهان بر اساس آن اداره می‌شود؛ یعنی، خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند (مصباح، ۱۳۷۲: ص ۴۲۵). ضوابطی که برای تنظیم پدیده‌های هستی وضع کرده (شهیدصدر، بی‌تا: ص ۵۰) «لایختلف و لایتبدل» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۴۲۹). بنابراین، سنت الهی عبارت است از: «جریان ظهور و تجلی اسماء و صفات فعل الهی در عالم با ضوابط، حدود و شرایط خاص» (روحانی، ۱۳۹۴: ص ۱۰۰).

سنت به دو دسته: فردی و اجتماعی تقسیم می‌گردد. سنت‌های فردی، قوانین و نظام حاکم بر پدیده‌های فردی را بیان می‌کند و سنت‌های اجتماعی، قوانین و نظام حاکم بر پدیده‌ها و زندگی اجتماعی و روابط میان افراد و گروه‌ها را بیانگر است (رجبی، ۱۳۸۹: ص ۷). آنچه در این تحقیق، بررسی می‌شود، سنت‌های اجتماعی خداوند در سوره اسراء است.

از ویژگی‌های سنت الهی؛ عام و فراگیر بودن، تحول و تبدیل‌ناپذیری (سوره اسراء: ۸۶)، این جهانی (حامدمقدم، ۱۳۷۹: ص ۱۴-۱۵)، عدم منافات با اختیار انسان (سوره اسراء: ۷۱)، حتمی بودن (همان: ۸۶)، استمرار و ثبات (صدر، ۱۴۰۰: ص ۶۸)، مطابقت با اصل علیت (سوره اسراء: ۵۸) مشترک بودن، زمان‌دار بودن می‌باشد (مرادخانی تهرانی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۱-۱۲۳).

1. A process

2. Tradition

۱-۱-۱. سنت‌های اجتماعی^۱

به رابطه تأثیر و تأثر ثابت و پایدار میان دو پدیده در زندگی و محیط اجتماعی انسان‌ها، سنت اجتماعی گویند (هیشور، ۱۴۱۷ق: ص ۱۲) و به قانون‌های حاکم بر روابط اجتماعی که قرآن به آنها اشاره کرده است، سنت‌های اجتماعی قرآنی گویند. از این حیث که این قوانین، با فاعلیت الهی، حاکم بر روابط اجتماعی انسانی است، سنت‌های الهی نیز گویند. یکی از قوانین حاکم بر خود سنت‌های الهی، نقش اراده انسان‌ها می‌باشد، که جزء العلة همه پدیده‌های اجتماعی است که در آیات ۱۸، ۱۹ و ۲۰ این سوره به هر دو اراده (الهی و انسانی) اشاره شد. بنابراین، از یک سو اراده خداست که حاکم است و از سوی دیگر، اراده انسان نیز تأثیر گذار می‌باشد (کوشا، ۱۳۸۹: ص ۴۴).

۱-۲. فلسفه اجتماعی

تفکر اجتماعی در طول حیات انسان به صورت‌های گوناگون وجود داشته که گاهی از آن به عنوان علم الاجتماع و زمانی فلسفه اجتماعی یاد می‌شود. با توجه به این که موضوع آن، حیات اجتماعی و زیست مشترک انسان‌هاست، محور و مسائل این دانش تعیین می‌شود (مایکل روت، ۱۳۸۹: ص ۸).

با ظهور اسلام و توجه قرآن به مسائل و موضوعات اجتماعی، متفکران مسلمان نیز به تبع آن، در حوزه مسائل اجتماعی به تحقیق پرداختند. بعد از آشنایی این متفکران با اندیشه علمی و فلسفه تمدن‌های گذشته، دیدگاه‌های جدید اجتماعی در جهان اسلام شکل گرفت و به همت آنان، تفکر اجتماعی، بنیان‌های عقلی جدیدی یافت و زمینه شکل‌گیری فلسفه اجتماعی بوجود آمد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۸: ص ۱۷-۱۸). از آنجائی که توجه عالمان علم الاجتماع، معطوف به کشف مکانیزم رابطه علی میان پدیده‌های اجتماعی است (لیتل دانیال، ۱۳۷۳: ص ۱۹)، مکانیزم علی عبارت است از: رشته‌ای از حوادث که خود محکوم نظم قانونارند؛ به گونه‌ای که پدیده‌های اجتماعی از یک نقطه معلوم آغاز و به یک نقطه مبین (روشن شده) ختم می‌گردد (همان: ص ۲۲-۲۳).

1. Social traditions

۳-۱. فلسفه تاریخ

فلسفه تاریخ، مسیر حرکت تاریخ را بررسی و تا حدودی از معلوم به مجهول و از معلول به علت پی می‌برد (تاجبخش، ۱۳۷۶: ص ۲۱). علم به چرایی و چگونگی تحولات و تطورات جامعه‌ها در طول تاریخ، از مرحله ای، به مرحله دیگر و قوانین حاکم بر این تطورات و تحولات و علم به (شدن) جامعه‌ها، نه (بودن) آنها (مطهری، ۱۳۸۴: ص ۳۵۳). فلسفه تاریخ؛ به دنبال فهم معنا و هدف تاریخ، محرک و مکانیسم حرکت تاریخ، غایت، مقصود و سر منزل تاریخ است. او می‌خواهد دریابد که آیا سلسله حوادث و رویدادهای گذشته، مجموعه نامرتبط و بی‌هدفی بوده یا در ورای این رویدادها، هدف، غایت و طرحی بوده است. وظیفه فلسفه تاریخ این است که شرح دقیق از مسیر رویدادهای تاریخی بنویسد که اهمیت واقعی و منطقی اساسی این مسیر به‌طور بارز نشان داده شود (اچ والش، ۱۳۶۳: ص ۲۸). پس فلسفه تاریخ نشان می‌دهد که «تاریخ، هدف‌دار، پویا و متحرک است» (صانعی دره‌بیدی، ۱۳۸۸: ص ۳۲).

۴-۱. رابطه فلسفه تاریخ و سنت‌های اجتماعی

رابطه وثیقی بین تاریخ، فلسفه تاریخ، جامعه‌شناسی و سنت‌های اجتماعی است. متون تاریخی همچون داده‌های به‌دست آمده از مطالعات میدانی در جامعه فعلی، برای یک جامعه‌شناس تاریخی، ماده مطالعاتی می‌باشد؛ با این تفاوت که متن تاریخی، از جوامع گذشته و مطالعات میدانی، از جوامع فعلی سخن می‌گویند.

فلسفه تاریخ و جامعه‌شناسی هر دو به دنبال کشف قواعد حاکم بر روابط انسانی می‌باشند، اما فلسفه تاریخ، به صورت پویا از گذشته و ناظر به آینده، قواعد را شناسایی می‌کند. اما جامعه‌شناس، به صورت ایستا - چه در طول و چه در عرض؛ یعنی چه در تاریخ و چه در جغرافیا - به دنبال کشف قواعد جزئی‌تر از فلسفه تاریخ است.^۱ قرآن مجید، نه به عنوان یک متن تاریخی، بلکه به عنوان یک متن تربیتی و هدایت‌گر، با روایت‌گری تاریخی به سنت‌های حاکم بر روابط اجتماعی انسانی نیز پرداخته است.

۱. به عبارت دیگر، جامعه‌شناس، یا با تقطیع جوامع به صورت طولی و تاریخی، مثلاً به مطالعه گذشته ایران از دوره‌های سلاطین می‌پردازد و یا با تقطیع عرضی و جغرافیایی، مطالعه مناطق متفاوت قومیتی و جغرافیایی، به دنبال کشف قواعد حاکم بر ارتباطات اجتماعی است.

۲. روش تحقیق (نگاه فرایندی)

سنت‌های اجتماعی در قرآن با روش‌های مختلف قابل بررسی است:

۱. تحلیل از نظر چگونگی شمول کنش‌گران؛ سنت‌ها یا ناظر بر فردند یا ناظر بر اجتماع؛

۲. تحلیل از حیث پیامد و هدف؛ گاهی رویکرد تربیتی دارند و گاهی سیاسی و یا فرهنگی؛

۳. تحلیل از جهت رابطه بین خود سنت‌ها؛ برخی سنت‌ها با هم رابطه طولی دارند؛ یعنی یک سنت، هدف ابتدایی، دیگری، وسطی و سومی، غایت قصوی و... را تأمین می‌کند

در این پژوهش، سنت‌ها به صورت فرایندی، طولی و معطوف به هدف نهایی (حاکمیت مطلق حق و مستضعفین بر جهان)، صورت‌بندی شد: «هدایت، تشویق و ترغیب، اراده و اختیار، بازخورد اعمال، استمهال، تنبیه و مجازات، پیروزی حق بر باطل و استخلاف». از این سنت‌های صورت‌بندی شده، هم می‌توان؛ برای تحلیل و تفسیر پدیده‌های اجتماعی، به صورت ایستا «در یک جغرافیا یا قوم و یا در یک برهه زمان خاص» بهره برد و هم به صورت پویا و جهان شمول.

به عنوان نمونه؛ سنت‌های اعمال شده بر قوم بنی اسرائیل، به صورت فرایندی بتبیین می‌شود: خداوند، ابتدا از طریق ارسال رُسل و انزال کُتب، سنت هدایت قوم بنی اسرائیل را آغاز و در عرصه‌های متفاوت زیست اجتماعی و فردی، راه کارهای حیات طیبه را برای آنان ترسیم نمود. با سنت تشویق، مردمان عصر موسی را به سوی انتخاب حق سوق داد، اما از آن جایی عمده قوم موسی با این رهنمود همراهی نکردند، خداوند بعد از عتاب و علنی کردن بازخورد انتخاب‌های غلط، به آنان فرصت و مهلت داد تا شاید به سوی حق رهنمون گردند، اما عده ای هرگز حاضر نشدند تا دست از استکبار بردارند. بعد از اتمام حجت، سنت مجازات، اعمال شد؛ طغیان‌گران، تنبیه و به صالحان امداد رسانده شد. سپس سنت پیروزی حق بر باطل نمایان و در نهایت، با سنت استخلاف، مومنان را جایگزین فاسقان کردند.

۳. سنت‌های اجتماعی در اسراء

سنت‌های وارده در سوره مبارکه اسراء، بر اساس یک نظم منطقی طولی به تصویر کشید شد و از میان آن، یک مدل و نظریه استخراج گردید تا بر مبنای آن، به تحلیل پدیده‌های اجتماعی جوامع در گذشته یا پیش‌بینی برخی جوامع در آینده دست یابیم.

۱-۳. سنت هدایت

عنصر هدایت، عنصر جهت‌دهنده حرکت انسان به سوی کمال است. در این حرکت رو به جلو، همه قوم‌ها و نسل‌های بشری در هر مکان و زمانی که باشند، مورد هدایت الهی قرار می‌گیرند؛ حتی برخی آزمایش‌ها، ممکن است در نگاه اول، بلا و نعمت لحاظ شود اما خدا از آن، در هدایت و کمال انسان بهره می‌برد.

هدایت، در نظام خلقت به دو گونه تعبیه شده است: هدایت تکوینی؛ که در متن و فطرت مخلوقات وجود دارد، مانند: «عقل، غریزه، شعور، عاطفه و انواع اداراکات» (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۳۶۱) که فراگیر هستند و هدایت تشریحی؛ که خداوند انسان را به وسیله فرستادن پیامبران و انزال وحی، مشمول هدایت ویژه خود قرار داد. از این رو هدایت تشریحی، جزء سنن اختصاصی بشر است. هدایت تشریحی، یا به شکل مطلق واقع می‌شود که شامل همه انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر است (فضل‌الله، ۱۴۲۵ق، ج ۱۴: ص ۴۳): «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء: ۹) و یا به شکل مقید؛ به گروه و قوم خاص اختصاص داده است: «وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ» (همان: ۲).

مانندگاری هدایت، مشروط به استمرار ابزار هدایت - ارسال پیامبران و انزال کتاب و تذکر برای انسان - است «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا» (همان: ۴۱). از این رو، سنت دائمی الهی در میان بشر، ارسال حجت بر زمین از بدو خلقت تا کنون است. خداوند در میان هر امتی، پیامبر و راهنمایی برانگیخته، تا آنان را به راه راست و دین حق، هدایت و از ضلالت و گمراهی برهاند. از سوی دیگر، به انسان اختیار داده تا در انتخاب راه آزاد باشد. هر راهی که انتخاب کرد، پاداش یا عذاب براساس آن سنجیده شود. انسان باید در مسیر حرکت، الگوهای کامل و جامعی در عرصه‌های مادی و معنوی داشته باشد تا او را به سر منزل مقصود برساند. برای اهمیت رسولان، خداوند تاکید می‌کند تا زمانی که راهنما و

هدایت‌گر نفرستد و حجت را تمام نکند، عذاب نخواهد کرد (همان: ۱۵)؛ لذا با فرستادن حضرت موسی و انزال کتاب بر بنی‌اسرائیل، حجت را، در هدایت و نشان‌دادن راه بر آنان، تمام کرد (سوره اسراء: ۴).

قرآن را نیز کتاب شفاء و رحمت قرار داد (سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴: ص ۲۲۴۸) تا در لوای آن، از هرگونه آفات و وسوسه‌های شیطانی دور و با یک برنامه نظام‌مند و دقیق در زندگی فردی و اجتماعی بهترین‌ها را برای خود رقم زنیم. این کتاب هدایت‌گر، نجات‌دهنده بیماری‌های اجتماعی است؛ بیماری‌هایی که ساختار ملت‌ها و جامعه‌ها را متزلزل و سلامت، امنیت و آرامش آنها را از بین برده است (همان).

اما اگر امت به جای هدایت‌پذیری، انحراف از حق را پیشه خود قرار داده و جزء فرهنگ عمومی آن جامعه گردد و هیچ‌یک از ابزارهای هدایتی الهی تاثیرگذار نباشد، برابر قانون سنخیت، در مقوله قانون علی و معلولی، محروم شدن انسان‌ها از مهم‌ترین وسیله هدایت - انبیاء و معجزات خاصه - حادث می‌شود؛ تا جائی که آیات هلاکت‌ساز به جای آیات هدایت‌گر نازل می‌شود (سوره اسراء: ۵۹).

بنابراین، خداوند متعال در این آیه و نظیر آن (همان: ۱۵، ۸۲، ۹۵، ۹۶، ۱۰۵ و ۱۰۶) با ذکر سنت‌های جاری در تاریخ گذشتگان و یا در ضمن قضایای حقیقه مشروطه نشان داده است که هر جا بشر، با اراده خود استمدادخواهی داشته و یا پاسخ مثبت به اوامر و نواهی الهی داده، خدا یا مقدمات هدایت را فراهم کرده یا بر هدایت گذشته فزونی بخشیده است. در مقابل، هر جا انسان، هدایت خدا را نپذیرفته و یا در مقابل عظمت الهی دست نیاز دراز نکرده، خدا از اعطاء فرصت‌های هدایت‌ساز دریغ و یا با اقدامی شدیدتر، ابزار هلاکت‌ساز را بر آنان چیره ساخته است؛ یعنی پاداش قبول هدایت را «وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف: ۱۳) و عاقبت هدایت‌گریزی را «مانرسل الآيات إلا تخويفا» (اسراء: ۵۹) قرار داده است.

خداوند در این سوره، ابتدا کل قرآن مجید را به‌عنوان یک عامل عام هدایت معرفی و سپس مصادیق عینی که در هدایت انسان مؤثر است را برمی‌شمارد. از این رو، برای تأمین سعادت جامعه و فرد در دنیا و آخرت، دستورالعمل‌هایی ابلاغ فرموده است؛ مانند: نیکی به والدین و روش احسان به آنان (سوره اسراء: ۲۳، ۲۴ و ۲۵)، رعایت حق خویشاوندان، دادن حق مسکین و در راه‌ماندگان (همان: ۲۶)، تحریم کشتن اولاد، ممنوعیت قتل (همان: ۳۱)،

تحریم زنا (همان: ۳۲)، نگهداری و حفظ مال یتیم، وفای به عهد (همان: ۳۴)، مراقبت از پیمانانه و ترازو (کم‌فروشی) (همان: ۳۵)، نهی از تکبر و خودبزرگ‌بینی (همان: ۳۹) امر می‌کند. نکته مهم در این است که خداوند در این آیات، از بندگی خدا آغاز و مرحله به مرحله آن را توسعه می‌دهد: شرک نورزید، به والدین احترام کنید و سپس به رعایت حق خویشاوندان، اولاد، مسکین و... حُسن خُلق اشاره کرده، تا به انسان بیاموزد که برای رسیدن به سعادت دنیوی و آخروی باید از این مسیر حرکت کند.

۲-۳. سنت تشویق و ترغیب

از دیگر سنت‌های الهی، در عرصه فردی و اجتماعی، سنت تشویق از طریق وعده پاداش نیکو و امداد الهی می‌باشد. قرآن، پاداش را در عبارات‌های: أجر، عطاء، رحمت، امداد و... به کار برده و برای رسیدن به آن تشویق و ترغیب می‌کند. لذا می‌فرماید: «هر که عمل صالح انجام دهد، از پاداش بزرگی در دنیا و آخرت برخوردار خواهد بود (همان: ۹). در دنیا از آرامش و امنیت، آبرو و عزت و در آخرت از پاداشی که با متاع دنیایی قابل مقایسه نیست: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (همان: ۱۹)

این سنت از سنت‌های مشروط می‌باشد که مهم‌ترین شرط آن ایمان و تلاش است. ایمان در انسان نهادینه نمی‌شود، مگر آنکه هدف و غایت خود را آخرت قرار دهد. فکر، عقیده، روح و روان او برای رسیدن به آن جهانی باشد (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ص ۷۶-۷۷). اگر با این نگاه، تلاش مجدانه نمود، سعی و تلاشش نزد خدا مشکور و مقبول و دارای پاداش خواهد بود (ابوالفتح رازی، ۴۰۸ق، ج ۱۲: ص ۲۷). به همین دلیل خداوند می‌فرماید: برتری واقعی زمانی است که انسان بتواند در دنیای دیگر رستگار باشد (سوره اسراء: ۲۱). بنابراین، بین دنیا و آخرت ارتباط وثیقی وجود دارد. اعمال و رفتار انسان‌ها در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، جایگاه و منزلت آخرتی آنان را می‌سازد. خداوند در این آیه به انسان می‌فهماند که نگاه خود را تعمیق بخشد. زندگی آخرت، همچون زندگی دنیایی نیست، بلکه آخرت خانه‌ای وسیع‌تر از دنیا است؛ وسعتی که نمی‌شود آن را با چیزی قیاس کرد. بعد از تشریح تفاوت جایگاه دنیا با آخرت، شرط رسیدن به «أَكْبَرُ درجات» را اعتقاد به وحدانیت قرار می‌دهد (همان: ۲۲).

از بسترهای مهم تحقق این وعده‌های الهی، جامعه می‌باشد. جامعه، نقش موثری در سرنوشت و آینده بشر دارد. از این رو، خداوند ضمن مخاطب فردی برای تشویق، مخاطب جمعی نیز دارد و مؤمنین را به صورت گروهی و جمعی، بشارت داده و همه آنان را به عمل صالح دعوت می‌کند تا آنان از طریق عمل صالح به اجر کبیر که قرب الهی و بهشت برین است، دست یابند: «وَيَسِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (همان: ۹). و با آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَ لَا يُلْمُونَ فَتِيلًا» (همان: ۷۱) اهمیت اجتماع را تا بدان جا پیش برده که بهشت و جهنم افراد را در گرو امام و جامعه‌ای که در آن می‌زیسته، قرار داده است. لذا تعبیر به «امامهم» نموده است.

۳-۳. اراده و اختیار

از سنت‌های قطعی الهی، به رستگاری رسیدن انسان‌ها از طریق سعی و تلاش اختیاری خویش می‌باشد. وجود اراده در انسان امری فطری، بدیهی و بی‌نیاز از اثبات است. این امر یکی از یقینی‌ترین اموری است که مورد شناسایی انسان واقع می‌شود؛ زیرا هر کس آن را در درون خویش با علم حضوری خطاناپذیر می‌یابد (عمیق، ۱۳۹۲: ص ۵۰)؛ ماهیتی که فرد عاقل در وجود خویش می‌یابد و با آن، توان انتخاب بین پدیده‌های این جهان؛ مانند: خوبی و بدی، شقاوت و رحمت، ظلم و عدل، درد و لذت و... را تحصیل می‌کند (فخررازی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ص ۱۳۷). وجود اراده و آزادی انتخاب، از جانب خداوند مَثان اعطاء شده است (سیوطی، ۱۹۸۹: ص ۱۵۹). پدیده‌های انسانی، هم محصول اراده الهی است؛ زیرا با اراده الهی، این جهان و انسان و حتی اراده انسان، خلق شده است و هم محصول تلاش اختیاری انسان می‌باشد؛ اختیاری که خدا در او به ودیعه گذاشته است. مهم‌ترین حکمت اعطاء اراده و اختیار به انسان، سهم کردن انسان در سرنوشت فردی و جمعی‌اش است.

شاید بی‌تناسب نباشد که بگوییم حرکت تاریخ با تصمیم و اراده انسان رقم می‌خورد و سمت و سوی آن تعیین می‌گردد؛ به سوی پیشرفت و بالندگی یا ایستایی، عقب‌گرد و سقوط حرکت کند. پویایی اراده جوامع، به هدف و غایت آن جامعه بستگی دارد. هر

مقدار که آرمان‌های جامعه بشری بزرگ‌تر و کامل‌تر باشد، به همان میزان، اهداف و غایات آن جامعه بزرگ‌تر می‌شود. هر جامعه با پذیرش آرمان موردنظر خود، مسیر حرکتش را انتخاب می‌کند.

اختیار انسان و گزینش‌های او، یکی از سنت‌های الهی است که با سنت‌های دیگر، نظیر سنت بازخورد اعمال پیوند وثیق دارد؛ هرچه اراده و برای آن تلاش کند، نتیجه‌اش را می‌بیند؛ خواه دنیای زودگذر، خواه آخرت جاودانه؛ البته خدای سبحان برای رسیدن به نتیجه‌ی اخیر، علاوه بر سعی و تلاش، مؤمن بودن را نیز شرط قرار داده است (سوره اسراء: ۱۸-۱۹). جمله «وَهُوَ مُؤْمِنٌ» در این آیه می‌فرماید: سعی در حالی مفید و مؤثر است که ایمان به خدا داشته باشد و متعلق ایمان، عبارت است از: ایمان به توحید، نبوت و معاد است. هر کسی اعتراف به یکی از این سه اصل نداشته باشد، مؤمن نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ص ۶۵).
واژه توحید، مظهر تمام صفات الهی، نبوت، مظهر ولایت الهی به ودیعه گذاشته در انسان کامل و معاد، مظهر ملکوت عالم وسیعی است که هر حرکت ریز و درشت انسان در آن هویدا می‌شود.

از دیگر مواردی که در سرنوشت انسان موثر است، انتخاب و گزینش امام می‌باشد. از این رو در سرای آخرت هر گروه با امام خود پای حساب خوانده می‌شود (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۶: ص ۱۱۶). آن‌ها که رهبری پیامبران و جانشینان آنان را در هر عصر و زمان پذیرفتند، همراه پیشوای‌شان در صف توحیدیان خواهند بود و آنها که رهبری شیطان و ائمه ضاله و پیشوایان ستمگر را انتخاب کردند، در قیامت همراه آن شیاطین خواهند بود (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ص ۳۰۲).

۳-۴. سنت باز خورد اعمال

پاداش و کیفر، نتیجه عمل است و در پرتوی عمل، پاداش نیز تعریف پذیر می‌گردد و انسان را مسئول خویشتن می‌سازد (سوره اسراء: ۱۳) به تعبیر قرآن کریم: «اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید، به خود بد نموده اید. خوبی کنید یا بدی، در هر دو صورت، نتیجه عمل به شما بر می‌گردد (همان: ۷). بر همین اساس، قرآن مجید می‌فرماید: «گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد» (همان: ۳۶). در تفسیر این منطق و

سنت است که ملاصدراى شیرازی می گوید: «وقایع روزمره زندگى، نعمت‌ها و نعمت‌های اخروى، همه محصول اعمال و عقاید نیک و بد انسان در این جهان گذرا است. پاداش و کیفر اخروى، صورت‌های قائم به نفس از نوع قیام فعل به فاعل هستند، این صور که همگى ناشی از نفس‌اند، مانند خود نفس از شعور و حیات ذاتی برخوردارند؛ چه این که از شئون، تطورات و اضلال اویند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۹۰م، ج ۹: ص ۲۹۰). أعمال و رفتار انسان از ملکات و سجایای او مایه می‌گیرند. قول و فعل مادام که در عالم حرکات مادی قرار دارد، بهره‌ای از بقاء و ثبات ندارد. اما در نفس تأثیری از خود به‌جای می‌گذارد و چنانچه این اقوال و اعمال تکرار شوند، آثار آنها نیز در نفس مستحکم می‌گردد تا جایی که این حالات ناپایدار به ملکات راسخ در نفس مبدل می‌گردد (همان: ص ۲۹۱)؛ البته کسی که می‌خواهد آخرت خوبی داشته باشد؛ اولاً، باید به خدا، معاد و نبی ایمان داشته باشد؛ ثانیاً، اعمال و رفتار خدایپسندانه بوده و طبق فرامین الهی انجام دهد؛ یعنی، صورت عمل بدون قصد مطابقت با نقشه الهی، از دائره رویکرد توحیدی خارج و صورت ملکوتی آن به صورت حیات غیرالهی جلوه خواهد کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ص ۵۶). در راستای بازخورد و ملکوت اعمال است که سوره مبارکه اسراء به نمونه‌های بارزی از این تجسم اعمال اشاره می‌کند؛ مانند: احترام به والدین یا پرخاشگری بر آنان (سوره اسراء: ۲۳)، احترام به مال یتیم یا تصرف عدوانی در مال یتیم، رعایت حق خویشاوندان و تهیدستان یا بی‌توجهی به حقوق آنان (همان: ۲۶)، روابط صحیح و قاعده‌مند ارتباطات جنسی یا بی‌ضابطه و غیرقاعده‌مند (همان: ۳۲)، کشتن فرزند از روی جهل یا قانع‌بودن به سهم از رزق و روزی در عالم (همان: ۳۱)، رفتار معقول همراه تواضع و فروتنی یا منش جاهلانه و متکبرانه (همان: ۳۴) و موارد دیگر که خدای سبحان به نتیجه دو طرف؛ مثبت و منفی أعمال در آیات متعدد متذکر می‌شود و در نهایت در این آیه به صورت قاعده کلی می‌فرماید: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا» (اسراء: ۸۴).

همچنین، برای تبیین سنت بازخورد اعمال است که در طی چندین آیه با شرح و تفسیر، سرنوشت قوم بنی‌اسرائیل را متذکر و به صورت مکرر به مسلمانان یادآوری می‌شود که توفیقات و فرصت‌های بنی‌اسرائیل و فقدان‌ها و محرومیت‌های آنان همگی بازخورد رفتار، کردار و باورهای آنان می‌باشد (سوره اسراء: ۴-۶).

۵-۳. سنت امهال

وقتی اهل باطل از ذکر پروردگارشان غافل می‌گردند و آیات او را تکذیب می‌کنند، اطمینان و آرامش دل‌هایشان را از دست داده و ناگزیر می‌شوند با پناه‌بردن به اسباب دیگری غیر از خدا، دل خود را آرامش دهند و چون غیر خدا با چیزی نمی‌تواند دل‌ها را آرامش دهد، از این رو بیش از پیش به اضطراب درونی دچار شده، دیگر از حقیقت سعادت زندگی بی‌خبر می‌مانند. ناگزیر با سرگرم‌شدن به پستی‌های دنیا، روزبه‌روز بر گناهان افزوده تا سرانجام به عذاب آخرت که تلخ‌تر و کشنده‌تر از هر عذابی است، مستحق می‌گردند. این استدراج و امهال، پاسخی است از جانب خداوند به کسانی که به ندای هدایت گوش نداده‌اند (علامه طباطبایی، ج ۱۹: ص ۳۸۶)؛ به تعبیر دیگر، سنت مجازات الهی همیشه بر پایه نابودی سریع مجرمین نیست، بلکه گاهی مبتنی بر فرصت‌دادن و متنبه‌ساختن است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ص ۱۹۳). این فرصت و مهلت با اعطاء مال، فرزند و عناصری که انسان با داشتن آن فرصت‌ها، احساس قدرت و خوش‌بختی می‌کند، فراهم می‌گردد (سوره اسراء: ۶).

دامنه بهره‌مندان فرصت، از چنان گستردگی برخوردار است که به نص صریح قرآن شامل شیطان رحیم هم شده است (همان: ۶۴)؛ در جریان ترک سجده، شیطان از خداوند حکیم تقاضای زنده‌ماندن و فرصت می‌کند (همان: ۶۲-۶۳؛ اعراف: ۱۴ - ۱۵). خداوند با یادآوری این‌گونه وقایع، مردم را به مطالعه و عبرت‌گیری دعوت می‌کند تا بدانند این سنت الهی تغییر و تبدیل‌ناپذیر است و هر کسی مرتکب طغیان‌گری شود، قطعاً این سنت بر او جاری خواهد شد (نجفی علمی، ۱۳۷۱: ص ۲۱۹-۲۲۰).

این قاعده، قانون و سنت اختصاص به اشخاص و افراد ندارد، بلکه جوامعی که از این مهلت بهره‌برده و به اصلاح امور نپردازند، قانون و سنت عذاب الهی جاری و آنان را به سزای اعمال‌شان می‌رساند: «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَوْمًا أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء: ۱۶). این آیه تصریح می‌کند؛ خداوند وقتی اراده کند اهل دیاری را به کیفر گناه هلاک سازد، ابتداء پیشوایان و متنعمان آن شهر را امر به طاعت حق می‌کند، لکن آنان با توجه به گذشته، این فرصت و مهلت مجدد که در قالب امر و دستور جدید فراهم شده را ناسپاسی کرده و راه فسق و تبهکاری و ظلم را در پیش می‌گیرند؛ از

سوئی دیگر، اکثریت مردم تابع و پیرو رهبران اجتماعی‌شان هستند؛ در نتیجه، راه رهبران‌شان را در پیش گرفته و مرتکب عصیان، گناه و نافرمانی الهی می‌شوند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۳۳). این همراهی، معمولاً به دلیل ترس از دست دادن منافع یا بی‌بصیرتی یا بی‌تفاوتی است؛ البته وجود مترفان در شهر بدان معنی نیست که خدا آنها را با جبر تکوینی به فسق و گناه می‌کشاند، بلکه نتیجه طبیعی دور شدن مردم از مسیر حق، همراه شدن با ظالمان، فاسقان و فراموش کردن مسئولیت اجتماعی در مبارزه با نظام‌ها و سیستم‌های فاسد، زمینه تسلط مترفان بر جامعه را فراهم آورده و نتیجه آن اجرای قانون الهی؛ یعنی نابودی و هلاکت قوم خواهد بود (سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴: ص ۲۲۱۷). تاکید قرآن بر مترفان، گویای تاثیر متقابل دنیای مادی بر دنیای معنوی، افکار و اندیشه‌ها است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۴: ص ۲۰۱)؛ یعنی مادیات به مثابه بستر، تاثیر به‌سزایی بر افکار و عقاید مردم دارد. هرچه جامعه در نعمت‌های دنیوی غرق باشد، راه خدا پیشگی کمتر و انحطاط و طغیان‌گری بیشتر می‌باشد. این همان چیزی است که در لسان ائمه به سنت املاء، امهال و استدراج تعبیر شده است (کشی، ۱۳۶۳، ج ۲: ص ۸۲۹).

۳-۶. سنت تنبیه و مجازات

قرآن برای تذکر، تنبیه و تنبیه، گاهی با نقل نمونه‌های تاریخی به بیان منطقی رابطه علی و معلولی بین رفتار و اندیشه‌های کنشگران اجتماعی می‌پردازد و گاهی به شکل قضیه شرطیه بیان می‌کند. آیه ۴ و بخشی از آیه ۵ سوره اسراء، ناظر به رویکرد تاریخی است که بشر را به مطالعه در تاریخ امر می‌کند و در آیه ۵، می‌فرماید: «هنگامی که شما رفتار فسادآلود، ظالمانه و جنایت‌کارانه را در پیش بگیرید، ما نیز گروهی از بندگان رزمنده و جنگجوی خود را به سراغ شما می‌فرستیم، تا به کیفر اعمالتان برسید؛ «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ» (اسراء: ۵). برای باورپذیر کردن این قانون، مخاطبان را دعوت به تفحص تاریخی در مناطق مختلف بشری می‌کند: «فَجَاشُوا خِلالَ الدِّيَارِ» و پیرو این دعوت، برای تاکید بر این رابطه «بین اعمال و پیامد آن» می‌فرماید: «این وعده قطعی و تخلف‌ناپذیر است؛ وَ كَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا» (همان). همچنین با تکیه بر پیش‌گفته‌ها، به صورت شرطیه به مشرکین عصر پیامبر ﷺ می‌فرماید: این دنیا و فرصت‌های مادی، فناپذیر و

نابودشدنی است. در نتیجه، اگر تمام هم خود را تنها برای تحصیل این عالم مادی، آن هم به قیمت مقابله با حق قرار دهید، بدانید چیزی نصیب‌تان نمی‌شود؛ زیرا سرای باقی و ماندگار جای دیگری است و هیچ آبادی در روی زمین نیست، مگر اینکه ما آن را قبل از روز قیامت هلاک می‌کنیم و با عذاب شدید نابودش می‌سازیم: «وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا» (همان: ۵۸) و این قانون مبتنی بر «رابطه علت و معلولی» بین پدیده‌ها، از روز ازل در لوح محفوظ ثبت گردیده است؛ «أَنْ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا» (همان) این سنت‌های الهی برابر «وَإِنْ عُذِّبْتُمْ عُذْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» (اسراء: ۸) مشروط به چگونگی عملکرد بشر است. لذا عذاب الهی قابل برگشت و رفع می‌باشد؛ به شرط برگشت انسان به سوی هدایت؛ چنانچه اگر بعد از هدایت، دوباره راه فسق را پیش گیرد، خداوند نیز مجدداً راه تنبیه را در پیش خواهد گرفت.

علل هلاکت و عذاب دنیائی در برخی از آیات سوره اسراء، فسق، ظلم، تعدی به جامعه (سوره اسراء: ۱۶-۱۷)، سرپیچی از آیات الهی (همان: ۸۳-۱۰۲)، پیروی از شیطان (همان: ۶۳)، شرک ورزیدن (همان: ۳۹)، توطئه علیه پیامبر ﷺ (همان: ۷۶) و طغیان‌گری (همان: ۸) بیان شده است. بی‌مهری نسبت به رهبران الهی و مقابله با ناصحان و خیرخواهان، گناه بسیار عظیم، نابخسودنی و کفران نعمت است؛ چنین مردمی، حق حیات نداشته و مجازات نابودکننده الهی به سراغ‌شان خواهد آمد: «وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذًا لَا يُلْبِثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۷۶). این سنت، دارای یک منطق عقلانی است؛ زیرا انبیاء سنگربانان در برابر شیاطین و مستکبرین می‌باشند و تضعیف آنان، تخریب سنگر دفاعی است؛ یعنی لازمه عقلی نابودی سنگر، فرصت حضور برای شیاطین و مستکبرین است و این منطق، تعمیم دارد: «سِنَّةٌ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا نَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا» (همان: ۷۷).

هلاکت و عذاب زمانی جامعه را در برمی‌گیرد که مفاسد اعتقادی و عملی، تبدیل به فرهنگ و صفات جامعه شود و از مشخصات قوم و یا آن شهر گردد؛ یعنی اکثریت افراد جامعه را فراگرفته و در بین مردم شیوع یابد؛ به گونه‌ای که گناه، امر عادی و غیرمنکر تلقی شود و ضدارزش‌ها، جای ارزش‌ها را بگیرند (سوره اسراء: ۶۲-۶۵).

۷-۳. پیروزی حق بر باطل

از نکات مورد عنایت قرآن، توجه به چگونگی تقابل حق و باطل است. قرآن مجید برای تغییر نگرش انسان در مواجهه حق و باطل، تلاش دارد انسان‌ها را به ملکوت و حقایق عالم آشنا سازد. به عنوان مقدمه بحث، از دو آیه مبارکه قصص بهره می‌بریم. در این دو آیه متذکر می‌شود که برخلاف تصویر ساده لوحان عصر موسی که به جولان قارون از اهل باطل خیره شده تا بدان‌جا که حسرت به دست آوردن فرصت‌های جولان‌ساز اهل باطل را در سر می‌پروراندند (سوره قصص: ۷۹). اهل حق و کسانی که از علم، دانش و معرفت الهی برخوردار بودند، گفتند: «وای بر شما! ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند، بهتر است» (همان: ۸۰).

دایره پیروزی حق بر باطل، تمام عرصه‌های اعتقادی، اجتماعی و سیاسی طول تاریخ را در برمی‌گیرد. حق و باطل دو پدیده‌ای هستند که در حیات اجتماعی بشر همیشه در مقابل هم قرار دارند. همواره در برابر منادیان حق و مصلحان اجتماعی و اخلاقی، عده‌ای مخالف به جدل و عنادورزی روی آورده، به تکذیب انبیاء و آیات الهی می‌پردازند (مطهری، ۱۳۸۴: ص ۱۷۸)، اما همواره حق، ثابت، پابرجا و ماندگار و در مقابل؛ باطل متغیر و ناپایدار بوده است: «جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ رَهُوقًا» (سوره اسراء: ۸۱)؛ یعنی هر اندازه باطل أعوان، أنصار، تبلیغ و تزویر داشته باشد، سرانجام فناپذیر و نابود خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۳: ص ۱۷۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱: ص ۳۸۹).

قرآن مجید، در ضمن مخاطب به نبی مکرم اسلام ﷺ در ذیل بیان داستان قوم موسی ﷺ، به موضوع تقابل حق و باطل و پیروزی حق پرداخته است، ضمن ذکر فرایند تعامل حضرت موسی، آن پیامبر عظیم‌الشان با جریان باطل، نهایت ماجرا را با پیروزی جریان حق، که جریان موسی ﷺ بود، به پایان می‌رساند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاَسْأَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا، قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا - فَأَرَادَ أَنْ يَنْفِرَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا» (اسراء: ۱۰۱-۱۰۳).

البته پیروزی حق بر باطل در ساحت‌های متفاوت واقع می‌شود؛ از جمله، در ساحت دل‌ها و قلب‌ها (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۲۱۲)؛ فساق و فجّار شاید بتوانند در ابتداء با زور، ایجاد

ترس و اِرعاب، بر جسم مردم مستضعف سلطه یافته و مردم را پیرو خود کنند، ... ولی در مسیر زمان سلطه معنوی با اهل حقّ خواهد بود و از آن‌جا که همواره سلطه بر دل‌ها مهم‌تر از سلطه بر جسم‌هاست، در چنین جامعه‌ای حقّ بر باطل غالب است (سوره بقره: ۱۵۴)، مانند: جریان حماسه حسینی؛ اگرچه به ظاهر امام حسین علیه السلام شکست خورد، اما در عالم معنا و به تعبیر امام موسی کاظم علیه السلام، آن‌که بر دل‌ها حکومت می‌کند، امام است (ابن حجرهیمی، ۱۴۱۷ق، ج: ۲، ص: ۵۹۲)؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام در تفسیر «جاء الحقُّ و زهق الباطلُ» (اسراء: ۸۱) می‌فرماید: مفهوم این سخن الهی این است که «هنگامی که امام قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل برچیده می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۸، ص: ۲۸۷). نتیجه این سنت کلی الهی، تخلف‌ناپذیر، در هر عصر و زمانی مصداق دارد، از تسلط و پیروزی پیامبر صلی الله علیه و آله اصحاب و امت او در برابر جبهه شرک و باطل، تا پایان تاریخ؛ یعنی قیام حجت (عج) و جامعه ایمانی که غالب بر جامعه ستمگران و جباران جهان عالم خواهند شد.

۸-۳. سنت استخلاف (جابجایی امت‌ها)

از پیروزی حق بر باطل، سرنوشت اقوام، جوامع و ملت‌ها دگرگون می‌شود؛ یک جامعه به سرنوشت پرافتخار دست می‌یابد و جامعه دیگر، به سرنوشت سرافکننده و ذلت‌بار مبتلا می‌شود؛ زیرا اراده و سنت الهی بر این تعلق گرفته که هرگاه فاسقان ظلم‌شان به اوج برسد، امت به مقابله با آنان برخاسته، جامعه فاسد از بین رفته و جامعه‌ای که مطابق جریان خلقت - حق و عدالت - در حرکتند، جایگزین آنان می‌گردند. این جابجایی اقوام، امت‌ها و جوامع تا پایان این جهان ادامه دارد و تکرارپذیر است. از این‌رو، جایگزینی خوبان و صالحان به جای طالحان و معارضان با حق، یک اصل ثابت و قطعی الهی است. چنان‌چه در سوره نور به‌عنوان یک قاعده عمومی می‌فرماید: «وَعَدَاللّٰهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ (نور: ۵۵) و در سوره اسراء، ابتدا به‌صورت مصداقی به جایگزینی مؤمنان قوم بنی‌اسرائیل به‌جای فرعونیان اشاره می‌کند: «فَاَرَادَ اَنْ يَّسْتَفِرَّهُمْ مِنَ الْاَرْضِ فَاَعْرَفْنَاهُ وَ مَنْ مَعَهُ جَمِيْعًا وَقُلْنَا مِنْۢ بَعْدِهِ لِبَنِيْ اِسْرٰٓئِيْلَ اَسْكُنُوْا الْاَرْضَ فَاِذَا جَاءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيْفًا» (اسراء: ۱۰۳) و در ادامه به‌عنوان یک اصل کلی می‌فرماید: «هر قوم و امتی؛ گرچه پیشینه خداگرائی داشته باشد، اگر در مسیر تاریخ

حیات خود از حق روی گردان شده و ناسپاسی کنند، این قوم همچون سرنوشت پیشینیان، فاسد، دچار اضمحلال و نابودی می‌شود؛ «وَقُلْنَا مَنْ بَعْدِهِ لِيُنِي إِسْرَائِيلَ اشْكُتُوا الْأَرْضِ» (همان: ۱۰۴). لذا چنانچه گذشت، خداوند بعد از بین بردن فرعون، قوم و سپاهش و با جایگزینی موسی و قومش (قوم بنی اسرائیل)، به قوم بنی اسرائیل فرمود: اگر از مسیر الهی و جریان حق و عدالت منحرف گردید، توسط مردمان قدرت مند و شدید البأس دیگری، شما را سرکوب و قوم دیگری در جای شما قرار می‌دهیم تا جامعه دگربار در مسیر خود قرار گیرد (نجفی علمی، ۱۳۷۱: ص ۵۵).

نتیجه گیری

از گزاره‌های سوره اسراء، به دست می‌آید که پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی نظیر: پدیده‌های غیرانسانی مبتنی بر رابطه علی- معلولی است. بر همین مبنا، گزاره‌هایی در قالب علل و گزاره‌هایی در قالب معلول بیان شده است. برخی از گزاره‌های علی، بیانگر قواعد ایجابی هستند که با رعایت آنها موجب رشد و شکوفایی جوامع انسانی شده و برخی دیگر، بیانگر قواعد سلبی است که عدم رعایت این اصول، انحطاط و نابودی اقوام و عذاب الهی را به دنبال خواهد داشت.

در مطالعه این سوره، به مدل فرایندی دست یافتیم؛ خداوند متعال برای رساندن انسان به کمال و انسانیت واقعی، ابتداء مقدمات هدایت را در پیش گرفته، سپس با اصل تربیتی تشویق و ترغیب، تلاش دارد انسان را در مسیر حق نگه دارد؛ البته با استفاده از اصل اراده و اختیار، حق انتخاب را به خود انسان واگذار می‌کند، اما این نکته را متذکر می‌شود که هر راهی را برگزید باید هزینه دنیایی و اخروی آن را پردازد (اصل بازخوردگیری و ارزیابی اعمال). از باب قاعده لطف، سنت استمهال را جاری و فرصت تنبه و توبه می‌دهد؛ سنت پاداش نیز در قالب تنبیه مجرمین و طالحین و پیروزی صالحین از سنت‌های الهی است و در نهایت؛ سنت جانیشینی اهل حق بر باطل یا سنت استخلاف از تدابیر ویژه الهی می‌باشد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۸)، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر، تهران: نشر علم.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، گردآورنده‌ها: سناء بزيع شمس‌الدين و ابراهيم شمس‌الدين، محقق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
۴. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، محقق و مصحح: محمود محمد طناحی، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۵. ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق)، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال و الزندقه، محقق: عبدالرحمن بن عبد الله التركي - کامل محمد الخراط، لبنان: مؤسسة الرسالة.
۶. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح: محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۷. تاجبخش، احمد (۱۳۷۶)، تاریخ و تاریخ‌نگاری، شیراز: انتشارات نوید.
۸. حامد مقدم، احمد (۱۳۷۹)، سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۹. دانیال، بیتل (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی؛ درآمدی به فلسفه علم الاجتماع، ترجمه: عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، معجم مفردات الفاظ قرآن، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم - الدارالشامیة.
۱۱. رجبی، محمود (۱۳۸۹)، «سنت‌های اجتماعی در قرآن؛ ویژگی‌ها، مبادی و روش کشف سنت‌ها»، قم: مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، س ۲، ش ۱، صص ۵-۲۲.
۱۲. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفة.

۱۳. روحانی، تورج (۱۳۹۴)، «سنت‌های الهی در قرآن؛ منطق استخراج، حوزه‌های تاثیر و ویژگی‌ها»، فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش، ش ۲۳، صص ۹۶-۱۲۸.
۱۴. روت، مایکل (۱۳۸۹)، فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه: محمد شجاعیان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۵. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله (۱۴۱۹ق)، ارشادالاذهان الی التفسیر القرآن، بیروت: دارالتعارف.
۱۶. سلیمانی، جواد (۱۳۹۶)، «بررسی آیات غلبه حق بر باطل از منظر علامه طباطبائی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، س ۸، ش ۳۰، صص ۲۲۲-۲۰۱.
۱۷. سید قطب (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر (۱۹۸۹م)، اسباب النزول، بیروت: دارالهجرة.
۱۹. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۶۹)، سنت‌های تاریخی و فلسفه اجتماعی در مکتب قرآن، ترجمه: حسین منوچهر، تنظیم: جلال‌الدین علی الصغیر، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۲۰. _____ (۱۴۰۰ق)، مقدمات فی التفسیرالموضوعی القرآن، بیروت: دارالتوجیه الاسلامی.
۲۱. _____ (بی تا)، المدرسة القرآنیة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۲. صدرالدین شیرازی، محمد (۱۹۹۰م)، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. _____ (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیرالقرآن، ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، محقق و مصحح: محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع‌البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.

۲۸. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، چ ۲، تهران: انتشارات اسلام.
۲۹. عمیق، محسن (۱۳۹۲)، «کاوشی در حقیقت اراده انسان»، مجله: علمی - پژوهشی انسان‌پژوهی دینی، ش ۳۰، صص ۴۹-۶۸.
۳۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، التفسیر (تفسیر العیاشی)، محقق: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، تحقیق: داراحیاء التراث العربی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک.
۳۳. فهیمی، علی (۱۳۸۷)، «سنت‌های الهی - تاریخی در دو سوره رعد و ابراهیم»، مجله سخن تاریخ، ش ۲، صص ۷۰-۸۱.
۳۴. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۳۵. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳)، رجال الکشی؛ اختیار معرفه الرجال (مع تعلیقات میرداماد الأسترآبادی)، محقق: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۳۶. کوشا، حیدر (۱۳۸۹)، «پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن»، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، مجله: معرفت فرهنگی - اجتماعی، س ۱، ش ۲، صص ۳۳-۵۶.
۳۷. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (بی‌تا)، منهج‌الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. محمدی گیلانی، محمد (۱۳۶۹)، «قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر؛ سعادت و شقاوت جامعه»، مجله پاسدار اسلام، ش ۳۸، صص ۲۲-۵۹.
۴۰. مرادخانی تهرانی، احمد (۱۳۸۶)، سنت‌های الهی در قرآن، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۴۱. مصباح، محمدتقی (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ در قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

۴۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ اسلامی.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، جامعه و تاریخ، تهران: انتشارات صدرا.
۴۴. _____ (۱۳۹۰)، فلسفه تاریخ، تهران: انتشارات صدرا.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۶. نجفی علمی، محمدجعفر (۱۳۷۱)، برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، تهران: انتشارات وزات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۷. والش، دبلیو اچ. (۱۳۶۳)، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه: ضیاء‌الدین علایی، تهران: امیرکبیر.
۴۸. هیشور، محمد (۱۴۱۷ق)، سنن القرآن فی قیام الحضارة وسقوطها، قاهره: معهد العالمی للفکر الاسلامی.